

جستارهای حقوق اجتماعی دادآفرین  
سری جدید، شماره اول، زمستان ۱۳۹۶  
صفحات ۱۸-۹.

## مختصری در مورد آسیب‌شناسی علم حقوق در ایران و ارائه‌ی راهکارها

منوچهر توسلی نائینی\*<sup>۱</sup>  
محمد امینی<sup>۲</sup>

### چکیده

رشته‌ی حقوق در ایران از زمان مشروطیت، از جمله رشته‌هایی است که متقاضیان بی‌شماری دارد و شرایط اشتغال در آن بهتر از سایر رشته‌های علوم انسانی است. لیکن در حال حاضر، وجود آسیب‌ها و معضلاتی در حوزه‌ی تفکر حقوقی، شیوه‌های آموزشی و پژوهشی و رشد نامتوازن کمی و کیفی بدون فراهم کردن زیرساخت‌ها این علم را تهدید جدی می‌نماید. برای رفع این مشکلات و آسیب‌ها می‌توان با به‌روز کردن منابع و کتب درسی، افزایش کارهای عملی حین تحصیل و ارتباط با نهادهای مرتبط با حقوق، من جمله، قوه قضائیه و دادگستری‌ها و أمثالهم، توسعه‌ی نشریات و مجلات حقوقی کارآمد و بهره‌گیری از فقه امامیه در انطباق با شرایط مختلف زمانی و ...، کمکی شایسته به جامعه‌ی حقوقی کشور نماییم.

**واژگان کلیدی:** دانش حقوق، فقه، آسیب‌شناسی علم حقوق، راهکارهای آموزش، سیستم حقوقی، یادگیری حقوق

---

۱- دکترای حقوق عمومی، دانشیار و هیئت علمی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)

**Email:** tavassoli2000f@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی حقوق، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

**Email:** Aminimohammad341@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۸/۰۱

## ۱. مقدمه

در میان رشته‌های گوناگون و مختلف علوم انسانی، رشته‌ی حقوق به‌مثابه‌ی جنگلی عظیم و سرسبزی می‌ماند که مخاطبان و طرفداران کثیر و علاقه‌مندی برای ورود به آن جرگه دارد. از دلایلی که می‌توان برای این امر برشمرد: یکی ماهیت جذاب این رشته است؛ بخصوص برای افرادی که به استدلال و منطق و درک قوانین و مقررات علاقه دارند و دیگر وجود زمینه‌هایی مناسب و درخور برای اشتغال در این علم و نیاز روزمره افراد مردم و خانوارها و ارگان‌های دولتی و موسسات خصوصی و شرکت‌های تجاری به محصلان کار بلد و باتجربه در این زمینه می‌باشد. ولی در این راستا آنچه این علم را تهدید جدی می‌نماید، وجود آسیب‌ها و معضلاتی در حوزه‌ی تفکر حقوقی، شیوه‌های آموزشی و پژوهشی و رشد نامتوازن کمی و کیفی بدون فراهم کردن زیرساخت‌ها و پیش‌زمینه‌هایی مناسب بالأخص در کشور خودمان می‌باشد.

همان‌طور که مشتاقان این رشته مطلع‌اند، علم حقوق با علم به قانون متفاوت است.<sup>۱</sup> در فراگیری و تحصیل علم حقوق دانشجویان این رشته، مجموعه راهکارها و اصولی را فرامی‌گیرند که بتوانند با استفاده از آن‌ها گستره‌ی قوانین تدوین‌یافته را تحلیل و بررسی نمایند و چگونگی عمل به آن مقررات و آموزه‌ها را بیاموزند تا در حسن اجرای آن موفق باشند. این علم به شناخت و تجزیه و تحلیل قواعد حقوقی می‌پردازد و در این راستا می‌کوشد به بررسی علل پیدایش این قوانین علم پیدا کند و سیر تحول آن را در جامعه روشن گرداند. لازم به ذکر است، از آنجاکه اکثر گزاره‌های حقوقی در کشور ما متصل به فقه و شریعت الهی است؛ بنابراین این دانش در ایران و اسلام سابقه‌ی طولانی دارد و یکی از افتخارات علم حقوق در ایران در این است که در مسیر سنت و گفتار ائمه‌ی معصومین «علیهم السلام» و دستورالعمل‌های آن بزرگواران در حال حرکت است.

۱- علم به قانون یعنی اطلاع کافی و مناسب از مواد قانونی و مقررات مدون که از سوی قوه مقننه تدوین‌یافته است و هر کس با مطالعه‌ی مجموعه‌ای از قوانین می‌تواند به این مصوبات آگاهی یابد.

در این نوشتار قصد داریم به شیوه‌های مناسب برای آموزش علم حقوق و بیان راهکارهای سودمند در این زمینه بپردازیم؛ هرچند برای از بین بردن مشکلات عدیده‌ای که در سیستم حقوقی جامعه موجود است، امور و نهادهایی دیگری نیز برای اصلاح آن‌ها ضروری است؛ ولی هدف از تحریر این مختصر، صرف آموزش دانش حقوق است و کار ما بحث پیرامون یاددهی و یادگیری این علم نمی‌باشد.

## ۲. تاریخچه

حقوق را در کشور ایران بایستی به دوشاخه اصلی قبل و بعد از مشروطه تقسیم نمود. قبل از انقلاب مشروطه، قوانینی که میان مردم و حکومت وجود داشت، خود به دوشاخه تقسیم می‌شد:

الف) قوانین «که بهتر است بگوییم دستورات» و دستورالعمل‌هایی از سوی پادشاهان و زمامداران وقت و والیان مناطق مختلف کشور در روابط مابین مردم با حکومت، که مشکل اصلی آن سلیقه‌ای بودن آن‌ها بود و از فقدان نظامی منسجم رنج می‌برد و حالت تبعیض-گونه‌ای به خود گرفته بود.

ب) مجموعه قواعدی که در روابط افراد جامعه وجود داشت و از آنجاکه با ورود اسلام به ایران در زمان خلیفه ثانی (مصادف با حکومت ساسانی)<sup>۲</sup> دین اکثر مردم ایران اسلام گردید، آن‌ها کوشیدند، در امور و مسائل زندگی و در تمام شئون فردی و اجتماعی مجموعه‌ی اصول و مقررات اسلام را در این زمینه‌ها به کار برند؛ بنابراین این قواعد از مقبولیت و نظم برتری برخوردار بود. به‌عنوان مثال در احوالات شخصی و قراردادهای و معاملات روزانه و ... این احکام و گزاره‌ها را به کار می‌گرفتند.

۲- می‌توان فتح ایران توسط مسلمانان را به سه دسته اصلی ترسیم نمود: الف) شروع آن در زمان خلافت ابوبکر در جنوب فرات و شهر حیره "عراق کنونی" بود. ب) اوج‌گیری این فتوحات در زمان حکمرانی عمر بن خطاب صورت گرفت که نبرد اصلی آن قادیسیه بوده و با پیروزی مجدد اعراب صورت گرفته. ج) و دسته آخر آن در زمان عثمان که منتهی به سقوط کامل دولت ساسانی در سنه ۳۰ ه.ق و کشته شدن آخرین پادشاه ساسانی "یزدگرد سوم" گردیده است.

بعد از وقوع انقلاب مشروطه و شکل‌گیری مجلس و با تقلید از جوامع غربی و کشورهای با رویکرد رومانستی همچون فرانسه، بلژیک و سوئیس یک قالب حقوقی ثابتی را تدوین کردند که همه‌ی روابط مردم، میان خود و حکومت بر اساس آن شکل می‌گرفت و این امر باعث شد دیگر در رویه‌های قضایی و رسیدگی به درخواست‌ها و شکایات مردم، قضات از سردرگمی خارج شوند و بر اساس قانونی واحد که در دست داشتند رأیی مناسب و درخور صادر نمایند؛ ولی جدا از نقصان مواد قانونی و اشکالاتی که در این زمینه وجود داشت، مشکل و آسیب واضح آن بود که هرچند قانونی واحد در ید مسئولین عدلیه وجود داشت؛ ولی در رأی قضات و دادرسان گاهی تضاد و تفاوت نظر آشکاری به چشم می‌خورد «همچنان که امروزه نیز وجود دارد» که این مهم از موارد قابل‌بحث در سیستم قضایی و دادگستری ایران از آن روز تا به حال است که راهکاری مناسب برای آن پیش‌بینی نشده است.

پس از مشروطه، مجموعه‌ای از قوانین مدون گردید که به‌موجب آن دیگر از پراکندگی گذشته خبری به آن شکل نبود (ذکر این نکته نیز خالی از لطف نیست که در شکل‌گیری این قوانین، مدارس تازه تأسیس شده حقوقی تأثیر بسزایی داشتند).<sup>۱</sup> این قوانین در یک قالبی شکل‌گرفته از کشورهای غربی همچون فرانسه وارد شد و تقسیم‌بندی‌های صورت گرفته نیز در قانون، مثل کشور یادشده بود. به‌عنوان مثال در قواعد عمومی قراردادهای قانون مدنی فرانسه ملاک بوده و با تغییرات جزئی وارد

سیستم قانونی ما گردیده و در بعضی موارد با تغییرات جزئی و انطباق آن با فقه امامیه تصحیح شده است.<sup>۲</sup>

### ۳. بیان آسیب‌ها و راهکارها

(۱) کمک گرفتن و بهره بردن از تجربه‌ی دیگران امری سودمند و مفید است ولی هنگامی که بخواهیم از تجربه‌ی دیگران استفاده کنیم باید آن را متناسب با اوضاع و احوالات خود بومی‌سازی نماییم؛ یعنی شرایط موجود خود را نیز بسنجیم و سپس با توجه به نیازهای خود از نظر فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... از آن تجارب بهره بگیریم. در طبقه‌بندی و تدوین اولین قوانین ایران و وضع مقررات، کسانی حضور داشتند که شاکله‌ی فکری آن‌ها به دلیل تحصیل در جوامع غربی بر آن پایه بود. این بزرگواران هرچند احترام فراوانی به فقهای اسلام قائل بودند و همچنین به مسائل فقهی - حقوقی اسلام تسلط کامل داشتند؛ ولی از آنجاکه مبانی فکری آن‌ها به دلیل تحصیل در آنجا، برگرفته از نظرات کشورهای رومانستی بود؛ باوجوداینکه فقه را کارآمد می‌دانستند، ولی به‌عنوان راه‌حل نهایی از آن استفاده نمی‌کردند. پس از انقلاب اسلامی و با تصحیح و اصلاحات آن یعنی «قانون اساسی»، مبنای حقوقی کشور ما دچار تحول و تغییری عمیق گشت. علت این ادعا اصل چهارم قانون اساسی می‌باشد؛ یعنی حقوق کشور را در راستای اسلامی کردن آن، به‌عنوان یک مبنا تلقی کرد و از حالت فرعی آن را به حالت اصلی کشانید، ولی تا عملی شدن این اصل در شالوده‌ی حقوق و قوانین کشور فاصله زیادی مانده؛ زیرا از یک‌سو، همچنان بنیان نظرات غربی حقوقدانان و دکترین حقوقی تغییر نکرده و از سوی دیگر از آنجاکه اساس مکتب اسلام در روابط بین افراد جامعه احکام فقهی می‌باشد، نتوانسته به‌طور کامل خود را با روابط جدید اجتماعی و حکومتی که تازه به وجود آمده و شاید در سده‌های قبل جولان گاهی نداشته، انطباق دهد. پس راهکاری که می‌توان در آموزش مدرن حقوق در نظر داشت، تربیت دانشجویان و فرهیختگانی است که بتوانند قواعد حقوقی را که از کشورهای مطرح اروپایی وارد مرزهای ایران می‌شود، بومی‌سازی کرده و

۱- می‌توان گفت: در سال ۱۳۳۲ ه.ق که محمد علی فروغی " ذکاء الملک، ریاست دیوان کشور را بر عهده داشت، اصل تأسیس اولین مدرسه عالی حقوق به تصویب رسید و در سال ۱۳۹۸ ه. ش رسماً تشکیل گشت و شروع به کار نمود. ریاست اولیه‌ی این مدرسه را مسیو پرنی به معاونت میرزا جواد خان عامری بر عهده داشت. برای مطالعه بیشتر تر رک به مقاله‌ی دکتر منوچهر توسلی در زمینه آسیب‌شناسی رشته‌های حقوق، صص ۲-۵.

۲- وحدتی شبیری، سید محسن؛ (۱۳۹۱)، آسیب‌شناسی رشته حقوق در ایران، راهبرد فرهنگ، شماره‌ی ۱۹.

متناسب با احکام و مسائل فقهی منطبق کنند و از ورود نظریاتی که شاید با جامعه‌ی ما سازگار نباشد جلوگیری نمایند. «فقه این استعداد بالقوه را دارد که در زمان‌های مختلف، متناسب با تحولات جامعه پویا باشد و در تمامی مسائل بر اساس اسلام، نقشه‌ی راهی متناسب را ترسیم نماید».

به قول استاد کاتوزیان در مقاله‌ی حقوق اسلامی در نظم حقوقی: «شاید امکان اتحاد میان قدرت و اعتقاد در نوشته‌ها، اتحاد فقه با نظرات غربی» وجود نداشته باشد؛ ولی امکان همزیستی آن‌ها با روش‌های عاقلانه وجود دارد...»<sup>۱</sup>.

۲) از نظر منابع حقوقی، شایان ذکر است که اکثر منابعی که در دست دانشجویان علم حقوق است، به تفکر اساتیدی که در خارج از ایران به تحصیل علم پرداخته‌اند و تحت تأثیر نظام رومی ژرمنی قرار داشته‌اند، قرار دارد؛ هرچند این منابع در ظاهر با اصول و قواعد اسلام تعارضی ندارد؛ ولی شاید روح منابع غنی اسلامی و فقهی در این منابع جریان نداشته باشد. همچنین از آنجاکه کشور ما نیز زیرمجموعه‌ی حقوق رومنی - ژرمنی و حقوق نوشتاری است، می‌توان گفت: از تجارب سودمند کشورهای «کامن لاو» که به واسطه‌ی این تجربیات و راهکارها، بسیاری از مشکلات اجتماعی و حقوقی خود را حل کرده‌اند، بی‌بهره بوده‌ایم. پس چه خوب است مسیرهای طی شده از سوی نظام‌های کامن لاو و دیگر نظام‌های حقوقی موفق در سطح جهان را نیز بررسی نماییم و آن‌هایی را که به فرجام رسیده و کارساز بوده‌اند، در منابع حقوقی خود وارد نماییم. باید با مقایسه‌ی میان نظام‌های حقوقی موجود و مطالعه‌ی پروژه‌های تکمیلی حقوق به صورت تطبیقی و غربال‌گری بهترین راه‌حل‌ها، آن‌هایی را که با فرهنگ ما قابلیت انطباق دارد، وارد منابع خود نماییم.

۳) همان‌طور که در ابتدای متن اشاره نمودیم، امروزه بسیاری از محصلان رشته‌های علوم انسانی و معارف اسلامی وارد جرگه حقوق می‌شوند؛ هرچند شاید هرکدامشان انگیزه‌های متفاوتی داشته باشند؛ ولی این امر موجب شده افراد به مدرک‌گرایی رو بیاورند و از این‌رو قوه‌ی استدلالی و استنتاجی مناسب در مسائل حقوقی نداشته باشند. برای این مشکل بهتر است که نظام آموزشی بیاید و علاقه‌ی دانشجویان حقوق را در زمینه‌هایی از بازار کار این رشته بسنجد و متناسب با میل آن‌ها، افراد را دسته‌بندی نماید. فی‌المثل از میان انواع شغل و تخصص در علم حقوق، چرا در کشور ما دانشگاه‌ها و موسسات محدودی صرفاً به یک زی و تخصص می‌پردازند؛ چرا در ایران تنها یک دانشگاه وجود دارد که به تربیت اختصاصی قضات برجسته می‌پردازد؟ چرا این آموزشگاه‌ها که افراد زیادی مشتاق به ورود در آن هستند، محدود است؟ چرا نمی‌آییم برای هر رشته حقوق موسسه آموزش محور خود را تأسیس کنیم؟ مثلاً بیاییم دانشگاه علوم ثبتی، علوم مشاوره‌ی حقوقی - خانوادگی، دانشکده‌های وکالت و ... ایجاد کنیم تا هر دانشجوی متناسب با گرایش خود وارد آن‌ها شود تا هم در مسیر علاقه خود پا گذاشته باشد و هم نسبت به آینده‌ی شغلی خود آگاهی داشته باشد.

مسئله‌ی دیگری نیز که امروزه ملموس می‌باشد، اینست که رشته‌ی حقوق در گذشته دارای دو وصف بسیار مهم در جنبه‌ی شغلی خود دارا بوده است: نخست تجاری‌سازی و دیگر، کارآفرینی؛ ولی امروزه به دلیل آنکه حجم بسیاری از فارغ‌التحصیلان رشته‌ی حقوق، بنا بر دلایلی من جمله اینکه رشته‌های دانشگاهی حقوق در پارک‌ها و مراکز رشد و فناوری، بازارهای آموزش و نیز در بازارهای ایده و ... جایگاه مطرح و شناخته‌شده‌ای ندارد؛ این افراد بیشتر به فکر خدمات و اشتغال‌های دولتی و اداری اند<sup>۲</sup>.

۴) آسیب و مشکل دیگری که وجود دارد این است که نظام آموزشی ما از روش‌های پسندیده و سنت‌های حسنه در علم‌آموزی دور شده است. یک روش

۱- مجله‌ی دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، (۱۳۷۶)، ش ۳۶، ص ۴۱؛ ناصر کاتوزیان، (۱۳۷۷)، فلسفه حقوق، ج ۱؛ هم‌چنین رک: (مقاله‌ی: «مقدمه‌ای بر جمهوری اسلامی» چاپ اول، ص ۱۹ به بعد؛ بر اساس مقاله‌ی: «آسیب‌شناسی علم حقوق سید حسن وحدتی شبیری، ص ۵).

۲- درویشوند، ابوالفضل (۱۳۹۴)، آسیب‌شناسی آموزش و اشتغال در رشته‌ی حقوق، سازمان بسیج حقوقدانان.

مناسبتی که هم‌اکنون نیز در حوزه‌های علوم اسلامی نیز دیده می‌شود؛ ولی این هم کم‌رنگ گردیده، مباحثه «قیل‌وقال» میان دانشجویان و طلباب است. این امر کمک می‌کند که هم دانشجو پس از مطالعه یک مبحث در برابر دوستان خود آنچه را که فراگرفته است، بیان کند و همچنین نظر و راهکار خود را در زمینه‌ای که خوانده است، به هم‌کلاسی‌های خود به‌عنوان یک توصیه بگوید «و شاید همین نظرات موجب تحولی در عقیده و رویه‌ی عرفی شود» و هم از این طریق، بازگویی آنچه خوانده است، در ذهنش تثبیت گردد.

پس می‌توان به‌عنوان یک راهکار دیگر چنین پیشنهاد کرد که دانشکده‌های حقوق، چند واحد مباحثه و گفتگو مسائل حقوقی میان دانشجویان و اساتید به واحدهای درسی بیفزایند؛ هرچند شاید نظیر این راهکار به نام درس «پروژه» امروزه وجود داشته باشد؛ ولی این واحد درسی محدود به دانشجو و استاد می‌شود و شاید نظرات استاد بر شاگرد تحمیل گردد و دانشجو از نظر سایر افراد مصون بماند.

به قول دکتر شهیدی: «در آموزش حقوق باید به تقویت و ترفیع هر چه بیشتر نیروی اندیشه دانشجویان پرداخت و آنان را به تمرین و ورزش با مسائل حقوقی گوناگون فراخواند و میدان آزادی و پرسش و پاسخ و بیان عقیده را در کلاس درس برای ایشان فراهم ساخت ...»<sup>۱</sup> (شهیدی، ۱۳۸۵: ۳۵).

۵) همان‌طور که می‌دانیم از لحاظ آموزش، دروس دانشگاهی به دروس نظری و عملی تقسیم می‌گردد. دروس نظری عبارت است از مجموعه دانش‌هایی که به‌صورت بحث و گفت‌وگو و اجلاس از سوی اساتید به دانشجویان ارائه می‌گردد. دروس عملی هم یک سری از توانایی و مهارت‌هایی است که به‌صورت کار عملی و میدانی به دانشجویان منتقل می‌شود. دروس عملی را در رشته‌ی حقوق می‌توان به پروژه و کار تحقیقی ۱ و ۲ و کارآموزی قضایی تقسیم نمود که اولی و دومی از دروس اختصاصی می‌باشند و سومی اختیاری است و

دانشجویان متناسب با علاقه‌ی خود آن را سپری می‌کنند.<sup>۲</sup>

تعداد کم دروس عملی در رشته‌ی حقوق حکایت از آن دارد که بیش‌ازحد به مباحث نظری و تئوری توجه می‌شود و دانشگاه‌های کشور با کمبود زیرساخت‌ها و امکانات درزمینه‌ی دروس عملی مواجه‌اند. اکتفا نمودن به آموزش نظری و روبرو نشدن دانشجو با مسائل عملی، ارتباط نداشتن با مسائل و پرونده‌های حقوقی هنگام تحصیل و...، یکی از آفت‌های نظام آموزش حقوق در کشور ما می‌باشد؛ درحالی‌که آنچه مبرهن است، این است که قدرت استنباط و توانایی تطبیق قضایای جزئی بر اصول کلی که اساس علم حقوق است، وقتی شکوفا می‌گردد که شخص با موضوعات مختلف علمی روبرو شود. در این راستا بحث و بررسی آراء قضایی می‌تواند نقش مهمی ایفاء کند.

از جهتی به دلیل عدم رابطه قوی میان دانشکده‌های حقوق با دستگاه قضا در بسیاری از موضوعات، بین آنچه در نظریه‌های حقوقی و دانشگاه‌ها مطرح می‌شود و آنچه در عمل در آراء دادگاه‌ها رخ می‌دهد، تفاوت وجود دارد؛ بنابراین آگاهی از رویه قضایی و نقد آن در روند آگاهی بیشتر دانشجویان مهم و شایسته می‌باشد.

۶) از آسیب‌ها و موارد دیگر قابل اشکال و انتقاد دانشکده‌های حقوق می‌توان به این مهم اشاره نمود که اکثر دانشجویان مشغول به تحصیل در این رشته از مراکز و مجتمع‌هایی که به رفع کردن و حل‌وفصل امور ترافیعی و حقوقی افراد جامعه می‌پردازند، آشنایی کافی را ندارند و به دلیل اینکه مؤسسات حقوقی صرفاً به یاددهی مواد درسی این رشته اقدام کرده، به‌گونه‌ای دانشجو را هنگام تحصیل به خواندن و فراگیری قوانین محدود می‌نمایند، محصلان این رشته از مجامع قضائی و چگونگی کار در آن‌ها، آگاهی و مهارت مناسب و مطلوبی را ندارند. برای بهبود این آسیب می‌توان سه راهکار و پیشنهاد را که شاید در دانشکده‌ها و آموزشگاه‌های

۲- توسلی، منوچهر؛ (۱۳۸۹)، مقاله‌ی «آسیب‌شناسی رشته‌های حقوق با توجه به بررسی تطبیقی آموزش رشته‌های حقوق در ایران و فرانسه».

۱- برای آگاهی بیش‌تر ر.ک: شهیدی، مهدی؛ «تشکیل قراردادهای و تعهدات، ج ۱: چاپ پنجم» و «حقوق مدنی، ج ۲: چاپ چهارم».

حقوق دیده نشده است مبنی بر ایجاد قسمت‌های ذیل، ارائه داد:

(۱) موزه‌های حقوق

(۲) کلینیک‌های حقوق و مشاوره

(۳) آزمایشگاه‌های علم حقوق، در آموزشگاه‌ها و

دانشکده‌های حقوق.<sup>۱</sup>

با تأسیس موزه‌های حقوقی و گذاشتن اسناد و مدارک قضایی و ثبتی و اسناد قدیمی و ... و همچنین فضا سازی و مشابه سازی دفاتر دادگستری و ایجاد دادگاه‌ها و دفاتر مشاوره‌ای و ... موجب می‌شود، دانشجویان با نظاره به این موارد ترغیب بیشتری به علم‌آموزی و پیشرفت در علم حقوق شوند و این امر موجب ترقی جامعه در نظام‌های حقوقی - قضایی می‌شود. اگر به دانشکده‌های پزشکی، دندانپزشکی و علوم دارویی نیز سری بزنیم، خواهیم دید که کلینیک‌های پزشکی و مطب‌های دندان‌سازی و داروخانه‌های آزمایشی در آنجا وجود دارد و دانشجویان پس‌از این که به مراحل پایانی رسیدند وارد این مراکز می‌شوند و قبل از ورود به بازار کار در رشته‌ی خودشان با روند اجرایی - درمانی آشنا می‌شوند و تجربه‌ای در این راستا به دست می‌آورند که موجب بهبود کار آن‌ها در آینده می‌شود. با تأسیس چنین مراکزی مشابه، برای علم حقوق همین روند آموزشی که برای دانشجویان علوم طب گفته شد برای محصلان علم حقوق نیز به دست می‌آید.

همچنین با تأسیس آزمایشگاه‌های علم حقوق می‌توان جلسات دادگاه‌ها در مراحل بدوی و تجدیدنظر و فرجام‌خواهی را شبیه‌سازی کرد و دانشجویان با روند رسیدگی پرونده در مجتمع‌های قضایی آشنایی کامل را به دست آورند. همچنین با تأسیس این کلینیک‌ها می‌توان از سوی اساتید و هم از طریق دانشجویان به مردم خدماتی ارائه داد.

(۷) امروزه با توسعه‌ی کمی مراکز آموزش حقوق می‌توان افت علمی - آموزشی برخی از اساتید را مشاهده نمود. شاید مشغله‌های زیاد این اساتید در کنار تدریس

در دانشگاه باعث شده آن بزرگواران وقت کمتری را به مطالعه و پژوهش در رشته‌ی تخصصی خود اختصاص دهند و این باعث می‌شود، تنها به منبعی که در ابتدای شروع ترم تحصیلی معرفی می‌کنند، اکتفا کنند و دانشجو را از سایر منابع برای مطالعه محروم کنند. شاید ایرادی که در اینجا بتوان وارد نمود، این است که خود دانشجو باید فعالیت و مطالعه تکمیلی داشته باشد؛ ولی در پاسخ می‌توان اظهار داشت اکثر دانشجویان وقتی ببینند استاد به فلان رفرنس ارجاع می‌دهد و آن‌هم برای اطلاعات ترمی و امتحانی آن‌ها کافی است، دیگر ترغیب نمی‌شوند که بروند و منابع و مآخذ دیگر را نیز مطالعه نمایند.

اما می‌توان مسیرهایی را ترسیم نمود که با طی طریق کردن در آن‌ها اساتید را به سوی تحقیق و مطالعات جانبی کشانید و از این راه، هم دانشجویان احساس وظیفه نمایند و هم دانشگاهیان و اساتید به ایرادات خود واقف شوند؛ برای مثال تشویق واجبات اساتید به نگارش مقالات پژوهشی بسیار اهمیت دارد. امروزه رایج شده است هر استادی در سال چند مقاله ارائه می‌دهد و این مقالات به‌عنوان کار عملی در روزه‌ی آن‌ها نقش می‌بندد، پس‌از این که آن مقاله را استادی تهیه کرد و یا اصلاً قبل از چاپ شدن آن، نوشته‌ای را که تهیه کرده است، در دست دانشجویانش قرار دهد و دانشجویان را ترغیب کند که با مطالعه‌ی آن ایراداتی را که شاید بتوان به آن وارد نمود را مشخص نمایند. از این طریق هم اساتید سعی می‌کنند، مقالات کارآمد و بدون نقص به رشته‌ی تحریر درآورند و هم دانشجویان با مطالعه‌ی کتبی در راستای آن مقالات است، اطلاعات مناسبی در زمینه‌های علمی به دست آورند.

(۸) از آسیب‌های دیگر مورد بحث، کمبود دروس و واحدهایی می‌باشند که بتواند بنیه‌ی ادبی و مهارت تسلط به واژگان و ادبیات حقوقی دانشجویان را تقویت و گسترش دهد. این آسیب حتی در مواردی منجر شده که محصلان حقوق در خواندن کتب حقوقی و قوانین با مشکل مواجه شوند و گاه، معانی بعضی از مفاهیم و معانی لغات مندرج در این منابع را متوجه نشوند.

۱- وحدتی شبیری، سید حسن؛ مقاله‌ی «آسیب‌شناسی علم حقوق، ص ۵».

از این رو دانشجویان حقوق می‌بایست با زبان و ادبیات فارسی (بالاًخص ادبیات حقوقی) آشنایی کامل را داشته باشند و با تسلط بر صنایع ادبی بتوانند، در سخنوری و اقناع طرف مقابل موفق باشند. آنان باید به مقتضای حرفه‌ای‌شان کسانی را که مورد خطاب قرار می‌دهند و یا دادگاهی را که مأمور رسیدگی به دعوا است، با زبان فصیح و بلیغ به تشخیص مسیر حق و صحیح راهنمایی کنند؛ اما این مهم در گرو گذراندن درس ادبیات فارسی به شکل جامع در دانشگاه می‌باشد؛ ولی مشکلی که وجود دارد، این است که دانشجویان جزء یک درس فارسی عمومی در دوره مقطع کارشناسی دیگر واحدی در این راستا ندارند و این هم به‌طور مؤثری گذرانده نمی‌شود؛ هرچند در بعضی از گروه‌های حقوق، از درس اختیاری آیین نگارش حقوقی برای رفع این نقیصه استفاده می‌شود؛ ولی با وجود تأثیر این درس نیز، همچنان نبود و فقدان راهکاری مناسب برای از بین بردن این آسیب احساس می‌شود.

با توجه به کیفیت نامطلوب آموزش حقوق در بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و سرفصل‌های مصوب این رشته و عدم تطابق سرفصل‌های این رشته با نیازهای مشاغل حقوقی، دانش‌آموختگان این رشته نمی‌توانند عملکرد مطلوبی پس از گذراندن واحدهای درسی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی در زمینه اجرایی فعالیت‌های مربوط با علم حقوق در جامعه داشته باشند، و یا اینکه بایستی مدتی به‌صورت آزمون‌وخطا و در حقیقت کارآموزی در حیطة کاری خود به مهارت‌های اولیه و موردنیاز برای انجام وظایف محوله دست یابند. طبق آنچه تا به حال در این مختصر به بیان آسیب‌های موجود در آموزش علم حقوق و نبودن معیارهای مناسب در تدریس دروس این رشته پرداخته‌ایم، می‌توان این آسیب‌ها را به چندین بخش تقسیم نمود:

- ضعف مطالعات تطبیقی «به‌خصوص مطالعه فقه و کاربرد آن در حقوق ایران»

- فقدان مطالعه میان‌رشته‌ای

- ضعف کارآفرینی و تجاری‌سازی این دانش

- عدم ارتباط کافی میان دروس این رشته و شغل‌های آتی در این زمینه  
- تشخیص نکردن سلسله‌مراتب اهداف حقوقی و...<sup>۱</sup>

۹) از آنجاکه امروزه برای پیشبرد علوم و دانش‌های مختلف دانشگاهی و حوزوی، فعالیت‌های گسترده‌ای برای به‌کارگیری چند دانش در ایجاد یک هدف و رسیدن به نتیجه‌ی آن انجام می‌گیرد و بدون ادغام چند علم و رشته برای تحقق یک امر، وسیله و شیوه‌ی موردنیاز عملاً برای رسیدن به آن مهم امکان‌پذیر نمی‌باشد، بایستی مطالعات میان‌رشته‌ای و فراتخصصی در رشته‌ها و علوم مختلف صورت پذیرد.

در حال حاضر رشته‌های دانشگاهی حقوق به‌گونه‌ای است که محتوای آن‌ها حداکثر ناظر به مباحث صرف حقوقی است و نسبت به دانش‌های پیش‌زمینه‌ای و موردنیاز این رشته، از فقر اساسی رنج می‌برد؛ بنابراین همان‌طور که امروزه شاهد به وجود آمدن تعدادی از گرایش‌های حقوق در زمینه‌های میان‌رشته‌ای من جمله «حقوق اقتصادی»، «حقوق پزشکی»، «حقوق ارتباطات»، «حقوق نفت و گاز» و ... می‌باشیم، لازم است در این زمینه، تلاش و فعالیت‌های گسترده‌تری صورت بگیرد تا با خلأ قانونی و فقدان اطلاعات کافی در زمینه‌های مختلف مواجه نشویم.

باز در این زمینه اشکالی که به چشم می‌خورد، این است که این گرایش‌های نوعاً میان‌رشته‌ای، تنها در مقاطع بالای تحصیلی مشاهده می‌شود و در مقطع لیسانس این فقدان محسوس می‌باشد. به‌عنوان مثال اگر فردی علاقه‌مند باشد که در مقطع ارشد و دکتری به رشته‌ی حقوق اقتصادی برود، بایستی، حداقل‌های اقتصادی را آموخته باشد تا در ادامه‌ی تحصیلات خود با مشکلی روبرو نشود؛ ولی مثلاً در مقطع لیسانس تنها ۲ واحد درسی مبانی علم اقتصاد آموزش داده می‌شود که آن‌هم نیز در اوایل تحصیل این رشته است و در انتها فارغ‌التحصیلان آنچه را که آموخته‌اند از یاد برده‌اند.

۱- ر.ک: درویش راده، محمد، آسیب‌شناسی آموزش حقوق در ایران (رشته‌های دستگاهی، نظام اجرایی، متون و سرفصل‌های آموزشی).

مهم‌ترین اقدامی که در آموزش و تدریس رشته حقوق، اساتید این علم به آن می‌پردازند و تمام تلاش آن‌ها در آموختن این مهم می‌باشد آموزش قوانین و مقررات موجود در جامعه ایران به محصلان و آشنا کردن آن‌ها با چگونگی تفسیر و استنباط و استنتاج از گزاره‌های مدنی، جزایی، خانواده، اداری، تجارت و ... می‌باشد.

در این راستا هم اساتید و هم دانشجویان به ناکارآمدی بعضی از مواد قانونی و خلأهای تقنینی که وجود دارد اشاره می‌کنند و بعضاً نظرات مفیدی برای جبران این مشکلات و فقدان‌ها ارائه می‌دهند. بر همین اساس دو مشکل اساسی در نظام آموزشی رشته‌ی حقوق جولان می‌دهد،

الف) بررسی نکردن مشکلات و آسیب‌های موجود در جامعه که بر اساس این معضلات، قوانین و مقررات مناسبی تدوین گردد.

یکی دیگر از موارد مورد اشکال در علم حقوق نبودن واحدهای درسی می‌باشد که بررسی کند ایرادهای اساسی در جامعه ایران کجاست. به‌عنوان مثال فقر و نبود شغل مناسب برای افراد جامعه یک مشکل جدی است و از سوی مسئولین همواره به تعادل میان افراد پردرآمد و کم‌درآمد اشاره می‌گردد؛ اما شاید در این راستا، قوانین جامعی تدوین نگشته است تا از این مشکل و معضل تا حدودی کاسته شود.

آنچه در بالا قید گردید به‌عنوان نمونه و مثالی بود تا روشن گردد در زمینه‌ها و امور مختلف بایستی آسیب‌شناسی جدی گردد تا بتوانیم برای رفع آن مشکل فعالیت‌های سودمندی انجام نماییم. این مهم نباید در رشته‌های محدود من جمله جامعه‌شناسی بررسی گردد؛ بلکه برای کارآمدی باید در علوم مختلف و از جنبه‌های متفاوت بررسی شود تا شاید به نتیجه‌ی مطلوب برسد. می‌توان با افزودن درس‌هایی در این زمینه از سوی وزارت علوم، هم جامعه به مسیر تعادل و هماهنگی پیش برد و هم این شوق و علاقه‌ی دانشجویان به منصفه ظهور گذاشته شود تا آنان با بررسی خلأها و فقدان‌های اساسی جامعه که افراد ملت مبتلا به آن می‌باشند، ایراد

کار را نمایان کنند و موجب شود مقررات مفیدی در این موارد وضع گردد.

ب) اطلاع نداشتن محصلان و دانشجویان رشته حقوق از چگونگی شیوه‌ی قانون‌گذاری؛

منظور از عنوان بالا روند شکلی قانون‌گذاری نمی‌باشد؛ بلکه عملاً خود تدوین مقررات و گزاره‌های قانونی است. آری، اکثر و یا همه دانشجویان رشته حقوق اطلاع کافی از مواد ۱ تا ۴ قانون مدنی ایران را دارند و می‌دانند قانون در چه بازه‌ی زمانی تصویب و اجرا می‌گردد و چه نهادهایی در تصویب و تدوین قانون فعالیت می‌کنند؛ اما آنچه مهم می‌باشد، شیوه‌ی قانون‌گذاری و معیارهای آن و آشنایی با ادبیات تدوین مواد قانونی می‌باشد. برای تحقق این امر پس از آنکه مورد اول را که در صفحه قبل گفته شد، انجام دهیم نوبت به این مهم می‌رسد.

اما در هیچ‌یک از دانشکده‌های حقوق و موسسات آموزش این علم، شاید واحدی نباشد که این اقدام مهم را به دانشجویان بیاموزد و جالب آن است که در آینده‌ی نزدیک مقررات و گزاره‌های کشور را کسانی تدوین می‌کنند که امروز پشت صندلی‌های این دانشکده‌ها مشغول به تحصیل می‌باشند.

۱۰) پس می‌توان در یک راهکار عملی دیگر اذعان داشت: با گذاشتن کلاس‌هایی، دانشجویان رشته حقوق را با چگونگی تدوین مواد قانونی آشنا گردانید، چه اشکالی دارد در هر کلاس درسی، اساتید به دانشجویان خود پیشنهاد تدوین یک اساس‌نامه برای همان کلاس درس دهند. تا محصلان با همکاری یکدیگر و نظارت استاد، با روند قانون‌گذاری آشنا شوند. در این شیوه هم‌روند ماهوی و هم‌شکلی تقنین مواد بررسی می‌شود و کم‌کم دانشجویان با این اقدامات، آمادگی لازم را برای قانون‌گذاری در جامعه خود پیدا می‌کنند.

#### ۴. نتیجه‌گیری

در پایان آسیب‌ها و راهکارهای پیشنهادی را به‌صورت تیتروار و خلاصه بیان می‌کنیم:

#### ❖ آسیب‌ها:

۱. عدم تطابق سازی برخی گزاره‌ها و قواعد حقوقی وارده به ایران با آموزه‌های اسلامی.



۲. کمبود منابع حقوقی اسلامی اصیل و عدم بهره‌بری مناسب از تجارب سودمند نظام‌های حقوقی موفق در سطح جهان.
۳. سنجش علاقه‌ی دانشجویان حقوق به گرایش‌ها و حرفه‌های حقوق از ابتدا تحصیل و کمبود دانشکده‌ها و موسساتی که صرفاً به رشته تخصصی می‌پردازند.
۴. کمبود واحدهایی در دوره کارشناسی که منجر به انتقال نظریات و مهارت در فن بیان دانشجویان شود و دروسی که شیوه‌ی نگارش محصلان این رشته را مطلوب گرداند.
۵. عدم به‌کارگیری دانشجویان حقوق حین تحصیل در مسائل حقوقی مطرح در واحدهای قضائی.
۶. نبود آزمایشگاه‌ها و موزه‌های حقوقی در سطح دانشکده‌ها.
۷. عدم استفاده از شیوه‌های نوین تشویق و ترغیب دانشجویان توسط اساتید تا به علم و فعالیت‌های پژوهشی محصلان این رشته افزوده گردد.
۸. نبود راهکارهایی برای انجام مطالعات جانبی و میان‌رشته‌ای.

#### ❖ راهکارها و پیشنهادها:

۱. تربیت دانشجویان متبحر و متخصص به مطالعات تطبیقی و هماهنگ‌سازی اصول حقوق غربی با گزاره‌های حقوق ایران
۲. استفاده از نظریات و نظام‌های حقوقی که در زمینه‌های مختلف به نتیجه مطلوب رسیده‌اند، با رعایت عدم عدول از گزاره‌ها و مقررات اسلامی
۳. علاقه‌سنجی و راهنمایی دانشجویان در مسیر دلخواه و مناسب که منتهی به موفقیت آن‌ها شود.
۴. افزایش دروس مباحثه و واحدهای مربوط به فن سخنوری و شیوه‌های نگارش متون حقوقی.
۵. اختصاص دادن بخش قابل توجهی از وقت دانشجویان در حین تحصیل به کارآموزی‌های حقوقی و قضائی.
۶. تأسیس و ایجاد سالن‌ها و مکان‌های شبیه به دادگستری و دادگاه‌ها در سطح مؤسسات و دانشکده‌های حقوق.

۷. ترغیب و همراه کردن دانشجویان در تحقیقات و پژوهش‌ها مانند واگذاری مقالات اساتید به دانشجویان برای ارائه نظرات و ویرایش آن‌ها.
  ۸. ارائه‌ی روش‌ها و نظریاتی برای انجام مطالعات میان‌رشته‌ای و فرا تخصصی.
- برای آسیب‌شناسی رشته حقوق در مؤسسات و دانشکده‌های آموزشی این علم در کشورمان، می‌توان در تمامی مسائل من جمله شیوه‌های آموزش، منابع این رشته برنامه‌های درسی و ... با توجه به مطالعات تطبیقی در کشورهایی که صاحب سبک مناسب و پسندیده می‌باشند، راهکارهایی برای بهبود و افزایش سطح کیفی در تمام زمینه‌های حقوقی یافت.
- هم‌چنین برای رفع این مشکلات و آسیب‌ها می‌توان با به‌روز کردن منابع و کتب درسی، افزایش کارهای عملی حین تحصیل و ارتباط با نهادهای مرتبط با حقوق من جمله قوه قضائیه و دادگستری‌ها و امثالهم، توسعه نشریات و مجلات حقوقی کارآمد و ...، کمکی شایسته به جامعه حقوقی کشور نماییم.
- از آنچه در این مختصر بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت: علم و دانش حقوق در ایران بایستی با تحولات صورت گرفته از زمان انقلاب اسلامی تابه‌حال، خود را با آنچه مورد نیاز عرف و جامعه است، همگام سازد و در این راستا می‌تواند از شریعت و فقه امامیه که توانایی انطباق با شرایط مختلف زمانی را دارد، بهره بگیرد.
- امید است با مختصر پیشنهادها ارائه‌شده اصلاح اساسی در آموزش علم حقوق و آشنایی دانشجویان با امور تقنینی - اجرایی کشور صورت پذیرد و در این راه هر کس شیوه‌ها و راهکارهایی مناسب و مطلوب در نظر دارد، تقدیم جامعه‌ی حقوقی کشور نماید تا راهنما و کمکی به دستداران و آیندگان این علم باشد.

#### منابع

- توسلی نائینی، منوچهر؛ (۱۳۸۵)؛ «آسیب‌شناسی رشته‌های حقوق با توجه به بررسی تطبیقی آموزش رشته‌های حقوق در ایران و فرانسه»، آسیب‌ها و توسعه‌ی حقوقی: مشهد: دانشگاه فردوسی، پژوهشکده‌ی علوم.

— توسلی نائینی، منوچهر (۱۳۸۹)؛ «آسیب‌شناسی رشته‌های حقوق با توجه به بررسی تطبیقی آموزش رشته‌های حقوق در ایران و فرانسه»، پژوهش‌نامه‌ی انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، شماره‌ی ۲.

— درویش زاده، محمد (۱۳۸۷)؛ «آسیب‌شناسی آموزش حقوق در ایران (رشته‌های دستگاهی، نظام اجرایی، متون و سرفصل‌های آموزشی)»، تهران: کنگره‌ی ملی علوم انسانی.

— درویشوند، ابوالفضل (۱۳۹۴)؛ آسیب‌شناسی آموزش و اشتغال در رشته حقوق، تهران: انتشارات سازمان بسیج حقوقدانان.

— راسخ، محمد (۱۳۶۷)؛ «نسل سوم حقوقی»، پژوهش حقوق و سیاست، سال دهم، شماره ۲۵.

— صفایی، سید حسین و کاظمی، محمود (۱۳۹۳)؛ «آسیب‌های آموزش و پژوهش علم حقوق در ایران و راهکارهای مقابله با آن»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره‌ی ۵، شماره‌ی ۲.

— کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)؛ فلسفه‌ی حقوق، ج ۱، تهران: انتشارات میزان.

— وحدتی شبیری، سید محسن (۱۳۹۱)؛ «آسیب‌شناسی رشته‌ی حقوق در ایران»، راهبرد فرهنگ، شماره‌ی ۱۹